

عنوان مقاله:

دیرینه شناسی و تجربه «تجدد ایرانی»: کنکاشی در وضعیت میان اپیستمه ای

محل انتشار:

فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره 6، شماره 4 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

حمید یحیوی - گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا

خلاصه مقاله:

دیرینه شناسی به عنوان توصیف شرایط امکان نظام های فکری این امکان را فراهم می کند که از یک سو با ترجیح بحث در باب «تاریخ فکری» به جای «تاریخ اندیشه»، تاریخی غیر از «تاریخ عدمی» بنویسیم و از سوی دیگر با تحلیل اپیستمه ای نظام های فکری معاصر به بررسی شرایط امکان آن پردازیم؛ شرایطی که در طی تجربه ی «تجدد ایرانی» مستقر شده و به صورت بندی خاصی از نظام دانایی امکان ظهور داده است. مقاله پیش رو پس از تشریح نگاه دیرینه شناسانه، این مسئله را برجسته می کند که رویارویی با تجدد غربی منجر به از دست رفتن یکپارچگی و وحدت ساختاری شالوده معرفتی در ایران شد. در این دوران، ورود عناصری از تجدد غربی به نظام دانایی ایرانی همراه با پایداری نظام دانایی سنت، در جهتی خلاف آن، به شکل گیری صورت بندی ویژه ای از نظام دانایی انجامیده است که خصیصه ی چشمگیر آن «درهم تنیدگی امور ذاتا ناهمگون» است. این وضعیت، بستر امکان نظام های فکری دوران معاصر است؛ وضعیتی میان اپیستمه ای که ناهمخوان با اپیستمه های یکپارچه معرفی شده از جانب فوکوست؛ چرا که بر مبنای شالوده ی معرفتی دو بنی، بنا شده و همین امر منجر به زایش «آگاهی دوباره» و همینطور اغتشاش ها و کژتابی های معرفتی بسیاری در «تجدد ایرانی» شده است.

کلمات کلیدی:

دیرینه شناسی، گسست، تجدد ایرانی، وضعیت میان اپیستمه ای

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1278517>

